

#### شیرازه

## تاریخ تکامل مغز

**دشرفق:** تکامل زیستی همراه با افزایش پیچیدگی بوده است. برای مثال مقدار اطلاعات نهفته در پیچیده‌ترین موجودات امروزی زمین به مراتب بیشتر از پیچیده‌ترین موجودات مثلا ۲۰۰ میلیون سال قبل است. سیر تکامل هوش آدم نیز در این میان موضوعی است که مورد توجه شاخه‌های مختلف علوم قرار داشته است. کارل ساگان در کتاب «آزدهای بهشتی: تکامل هوش در آدمی» که به‌تازگی با ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده در نشر نو منتشر شده، به سراغ معمای هوش در انسان رفته است.

کارل ساگان به‌عنوان یک اخترشناس، شهرتی جهانی دارد اما او در این کتاب یا را از حوزه تخصصی‌اش فراتر گذاشته و با سفری ماجراجویانه در چند حوزه دانش تلاش کرده راهی به حل معمای هوش در انسان پیدا کند. اثر او مدام میان حوزه‌های انسان‌شناسی، زیست‌شناسی تکاملی، روان‌شناسی و علوم کامپیوتر در رفت‌وآمد است. ساگان در مقدمه کتاب توضیح داده که ذهن چیزی جز پیامدهای آناتومی و فیزیولوژی مغز نیست. به باور او انتخاب طبیعی مانند نوعی «غربال فکری» عمل کرده و به‌تدریج هوش انسان را به جایی رسانده که از عهده کشف قوانین طبیعت و شناخت خویش برآید. ما به لطف گسترش قشر جدید مخ صاحب فرهنگی شده‌ایم که از زبان و منطق تا شهود و اسطوره را در بر می‌گیرد. به عقیده ساگان، مغز ما به کمک رقیب شایسته‌اش، یعنی کامپیوتر، ناگزیر به تکامل خود ادامه خواهد داد.

کتاب «آزدهای بهشتی» اولین بار در سال ۱۹۷۷ به چاپ رسید و یک سال پس از انتشار در ۱۹۷۸ برنده جایزه پولیتزر شد. این اثر، که می‌توان آن را تاریخ تکامل مغز نامید، در ۹ فصل با این عناوین نوشته شده است: «تقویم کیهانی»، «ژن و مغز»، «مغز و ارابه»، «بهشت به‌مثابه یک تمثیل: تکامل انسان»، «تجربیات چهارپایان»، «افسانه‌های باغ کم‌نور بهشت»، «عشاق و دیوانگان»، «آینده تکامل مغز» و «دانش سرنوشت ماست: هوش زمینی و فرازمینی». ساگان در این فصول با نگاهی به زیست‌شناسی تکاملی، انسان‌شناسی، علوم اعصاب و اسطوره‌شناسی روایتی فرضی و درعین‌حال مبتنی بر شواهد علمی از چگونگی رشد هوش انسانی در گذر زمان به دست داده است. براساس‌این «آزدهای بهشتی» را می‌توان یکی از بین‌رشته‌ای‌ترین تلاش‌های ساگان و سفری فکری در دل زمان، مغز و فرهنگ به شمار آورد.

ساگان در فصل دوم کتاب می‌گوید میزان پیچیدگی یک موجود را با توجه به رفتار آن، یعنی تعداد اعمال متفاوتی که در طول حیاتش بروز می‌دهد، می‌توان تخمین زد. ولی پیچیدگی را از روی حداقل محتوای اطلاعاتی ماده ژنتیکی آن نیز می‌توان قضاوت کرد. یک کروموزوم معمولی انسان دارای یک مولکول بسیار بلند دی‌ان‌ای است که به صورت مارپیچی درآمده فضایی بسپارای فرمی را اشغال کند که اگر با می‌شد، اشغال می‌کرد. این مولکول دی‌ان‌ای متشکل از اجزای ساختمانی است که کمی شباهت به پله‌ها و طبقات‌های طرفین یک نردبان طبانی دارند. این اجزا با نوکلئوتیدها به چهار صورت دیده می‌شوند: زبان حیات، یعنی اطلاعات توارثی ما، با تواتر این چهار نوع نوکلئوتید معین می‌شود. می‌توان گفت که زبان توارث با الفبایی نوشته می‌شود که فقط چهار حرف دارد اما کتاب حیات بسیار غنی است و یک مولکول دی‌ان‌ای معمولی در کروموزوم انسان شامل از پنج میلیارد جفت نوکلئوتید است. کارل ساگان، اخترشناس، کیهان‌شناس، اخترشناس، اختریفیزیک‌دان، نویسنده و مروج علم آمریکایی است که در سال ۱۹۹۶ از دنیا رفت.

کتاب «رودخانه آگاهی» اثر آلپور ساکس، یکی دیگر از کتاب‌هایی است که به‌تازگی در نشر نو منتشر شده و این نیز اثری میان‌رشته‌ای است. «رودخانه آگاهی» شامل ۱۰ جستار درباره موضوعاتی متنوع، از زیست‌شناسی تا گیاه‌شناسی و عصب‌شناسی و هنرها و ادبیات است که با ترجمه ماندانا فرهادیان به چاپ رسیده است. نویسنده این کتاب عصب‌شناس و طبیعی‌دان بریتانیایی است. او در جستارهای این کتاب که برخی از آنها نخستین بار در نشریه «نیویورک ریویو او بوکز» منتشر شده بودند، دانش و قصه را به هم پیوند زده و درباره گستره وسیعی از تلاش‌های بشری برای فهم جهان صحبت کرده است. در جستارهای این کتاب ساکس به نوعی به قهرمانانش یعنی داروین، فروید و ویلیام جیمز ادای دین کرده و از آرای آنها صحبت کرده است. او در جستارهای این کتاب خوانندگان را به عرصه‌های مختلف دانش نظیر پزشکی، گیاه‌شناسی، علوم اعصاب، روان‌شناسی و تاریخ علم می‌برد. دکتر خسرو پارسا که با آثار ساکس آشناست، مقدمه‌ای برای ترجمه فارسی «رودخانه آگاهی» نوشته و در بخشی از آن فهرستوار به برخی ویژگی‌های آثار او اشاره کرده؛ ازجمله به اینکه، «احاطه کامل به مطالبی که می‌خواست به‌طور تخصصی یا عامه‌فهم بنویسد. نوشته‌هایش ساده‌اند، ولی به‌هیچ‌وجه ساده‌گرایانه نیستند. پرهیز از خودنمایی و ارائه ژورنالیستی مطالب. جامع‌الاطراف‌بودن در ارائه نظرات جدید و اجتناب از تأکیدات مکرر و تاج‌ها. هر مطلب او شواهدی درباره مطالعه و بررسی نظریه‌های جدید دارد و اگر خود او نظری دارد، با توجه به دیگر مطالب این می‌دهد. شناخت کامل آنوتومی و فیزیولوژی سلسله اعصاب و مکانیسم‌های نوروتی را تقلیل‌ندادن و درعین‌حال تعمیم ناخوشی ندادن». آلپور ساکس دو هفته پیش از مرگش در آگوست سال ۲۰۱۵، رئوس مطالب و ساختار کلی کتاب «رودخانه آگاهی» را شرح داد. این کتاب درواقع آخرین اثری است که او مدنظر داشت. عناوین فصل‌های این کتاب عبارت‌اند از: «نگاهی تازه به گیاه‌شناسی در قرن نوزدهم»، «سرعت»، «قدرت ادراک: حیات ذهنی گیاهان و کره‌ها»، «آن مسیر دیگر: فروید عصب‌شناس»، «خطاناپذیری حافظه»، «اشتباهی شنیدن»، «خوشتن خلاق»، «احساس مهم ناخوشی»، «رودخانه آگاهی» و «نقطه کوز: فراموشی و غفلت در علم». در بخشی از جستار «احساس مبهم ناخوشی» می‌خوانیم: «هیچ چیز به اندازه حفظ ثبات و پایداری محیط درونی برای بقا و استقلال موجودات زنده - حال می‌خواهد فیل باشد یا تک سلولی- مهم نیست. کلود برنار، فیزیولوژیست بزرگ فرانسوی، با گفتن ثبات محیط درون شرط زندگی آزاد است، در دهه ۱۸۵۰ جان کلام را در این مورد گفت. حفظ چنین ثباتی هم‌ایستایی نامیده می‌شود. مبانی هم‌ایستایی نسبتاً ساده، اما در سطوح سلولی، به طرز معجزه‌آسایی کارآمد است که بنا بر آن پمپ‌های یونی روی غشاهای سلول امکان می‌دهند که با وجود هر نوع دگرگونی در خارج از سلول، مواد شیمیایی داخل سلول ثابت باقی بماند. در موجودات زنده چندسلولی -جانوران و به‌ویژه انسان- سامانه‌های نظارتی بسیار پیچیده‌ای برای کنترل هم‌ایستایی لازم است». ساکس در ۱۹۳۳ در لندن متولد شد. در دانشگاه آکسفورد پزشکی خواند و سپس در یوسی‌ال‌ای ادامه تحصیل داد. او پنج دهه به‌عنوان متخصص مغز و اعصاب در مؤسسات مختلف نیویورک مشغول به کار بود.

#### آزدهای بهشتی

#### کارل ساگان ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده نشر نو



#### به مناسبت تجدید چاپ «از کتاب رهایی نداریم»

# ستایش حماقت



پیام‌حیدر قزونی

نیست. کریر نیز به همین موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید کتاب در طول تاریخ آزمونش را پس داده، و از بین نرفته است. درحالی‌که ممکن است اختراعات دهه‌های اخیر در آینده تغییر شکل دهند و زمینه‌های مختلف هستیم. شبکه‌های اجتماعی به رسانه‌های فراگیری بدل شده‌اند و به نظر می‌رسد که جایگزین نشریات و روزنامه‌ها و حتی کتاب‌ها شده‌اند. باین‌حال، همچنان این پرسشی جدی است که آیا در آینده نزدیک می‌توان اثری از نشریات و مطبوعات و کتاب‌های چاپی مشاهده کرد؟

این پرسش البته چندان هم جدید نیست و چند سال پیش اومبرتو اکو و ژان کلود کریر در گفت‌وگویی طولانی به بررسی همین مسئله پرداختند. گفت‌وگوی آنها با عنوان «از کتاب رهایی نداریم» به دست مهستی بحرینی به فارسی ترجمه شده و به‌تازگی چاپ جدیدی از آن در نشر نیلوفر منتشر شده است. اکو نشانه‌شناس و رمان‌نویس است و کریر هم نویسنده نمایش‌نامه و فیلم‌نامه است و هر دو مجموعه‌ای از کتاب‌های نایاب و قدیمی هم دارند. کریر و اکو در این گفت‌وگوی طولانی به سرنوشت کتاب در عصر تسلط اینترنت می‌پردازند و معتقدند که نمی‌توان مرگی برای کتاب متصور شد.

آنها کتاب را اختراعی می‌دانند نظیر چرخ یا قیچی که پس از آنکه اختراع‌شان کردیم، نمی‌توانیم آن را به صورت بهتری درآوریم. چنانچه از بیش از پانصد سال پیش تاکنون تغییرات به وجود آمده در تولید کتاب، به عنوان شئی، نه کارکرد آن را تغییر داده است و نه ساختار نحوی آن را. اکو در جایی از این گفت‌وگو می‌گوید: «روزگاری، بشر در دورانی، خط را اختراع کرد. می‌توانیم خط را ادامه‌دست به حساب بیاوریم و آن را از این نظر امری کم‌وبیش زیست‌شناختی بدانیم. خط، فناوری ارتباط است، در پیوند بی‌واسطه با بدن. پس از آنکه اختراعش کردید، دیگر نمی‌توانید از آن چشم‌پوشید. تکرار می‌کنم، این هم مثل اختراع چرخ است. چرخ‌های امروزی ما، همان چرخ‌های ماقبل تاریخ است. درحالی‌که اختراعات نوین ما مثل سینما، رادیو و اینترنت، جنبه زیستی ندارند». او حتی می‌گوید که این احتمال هم وجود دارد که در آینده اینترنت مثل بسیاری دیگر از اختراعاتی که جنبه زیستی ندارند، از بین برود اما چنین سرنوشتی برای کتاب متصور



زیستی ندارند، از بین برود اما چنین سرنوشتی برای کتاب متصور

## پژوهشی در باب روش‌های واژه‌سازی در فارسی

**شرق:** بسیاری از واژه‌هایی که امروز به کار می‌بریم تا همین چند سال پیش ناشناخته و غریب بودند اما امروز بی‌آنکه بدانیم این واژه‌ها چگونه وارد زبان فارسی شده‌اند آنها را در صحبت‌های روزمره‌مان به کار می‌بریم. دنیا با سرعتی بیش از پیش در حال دگرگون‌شدن است و بالطبع القای به تاساس افزایش اطلاعات

وارد زبان می‌شود و به پهنای واژگان افزوده می‌شود. در این میان جهان غرب متسا علوم و فنون و تفکر به شمار می‌رود و از این‌رو الفاظ و مفاهیم نیز به زبان رایج کشورهای غربی شناخته می‌شود. برخی از الفاظ همان‌گونه که بوده‌اند در زبان فارسی به کار گرفته می‌شوند اما برای برخی نیز معادل‌هایی ساخته می‌شود. اگرچه نهادهای رسمی می‌گوشتند برای تمام این الفاظ معادل‌هایی پیشنهاد دهند اما در اغلب موارد تلاش آنها به کار گرفته نمی‌شود یا بسیار کند است. مهدی سمائی در پژوهشی که با عنوان «صرف قیاسی زبان فارسی معاصر» و عنوان فرعی «گرایش‌های عامیانه کلمات مرکب» در نشر مرکز منتشر کرده، نشان داده که مردم روش‌های جدیدی را به روش‌های واژه‌سازی در زبان فارسی افزوده‌اند. او کتابش را در هفت فصل تدوین کرده است.

در فصل نخست شرح منطق کتاب آورده شده است. افزایش ناگهانی اطلاعات که آن را انفجار اطلاعات نامیده‌اند و فراوانی الفاظ به تناسب با افزایش اطلاعات یکی از نکته‌هایی است که در این فصل مورد توجه قرار گرفته است. کلمات قرضی و کلمات پیچیده و ازجمله کلمات مرکب ابزارهای عمده افزودن به حجم واژگان است. نویسنده می‌گوید مردم عادی و صاحبان مشاغل و حرف‌واژه‌سازان اصلی‌اند و الفاظ جدید پیچیده را به اقتضای بافت و نیاز می‌سازند و به واژگان زبان فارسی می‌افزایند. کلماتی که متناسب با نیاز و دانش صرفی لدنی گویشوران ساخته می‌شود و بعضی از آنها بر اثر کثرت کاربرد به زبان رخنه می‌کند و در واژگان جای می‌گیرد. نویسنده می‌گوید قیاس ابزار ساختن کلمات اترجالی است. قیاس موجب می‌شود که کلمات اترجالی به تقلید از الگوی الفاظ موجود و بالفعل زبان ساخته شود. او همچنین توضیح

داده که واژگان یا واژگان ذهنی محل ذخیره صورت‌های زبانی و ازجمله کلمات مرکب است. اما کلمات مرکب همه در واژگان ثبت نمی‌شود. یعنی کلمات مرکب که قاعده‌مند است در بیرون واژگان باقی می‌ماند و قاعده قیاس آن در واژگان قرار می‌گیرد. این دست کلمات مرکب با قاعده فهرستی دراز دارد و متسا و سرچشمه واژه‌سازی در زبان فارسی است.

در فصل دوم کتاب نکته‌هایی از صرف زبان فارسی آورده شده است. هدف نویسنده طرح این معنی بوده که چرا کلمات مرکب برای آزمون گمان پژوهش برگزیده شده و دیگر اجزای صرف یعنی

#### عطف

### تأملی فلسفی برای درک حیوانات

**شرق:** آیا راهی برای فهم این نکته که حیوانات چگونه جهان را درک می‌کنند، وجود دارد؟ این شاید محوری‌ترین پرسشی است که لارس اسوندسن در کتاب «درک حیوانات» به سراغش رفته تا از نگاهی فلسفی بررسی کند که گریه یا سگ بودن چه حسی دارد.

درک حیوانات به چه معناست؟ در پیشگفتار کتاب تلاش شده به شکل مختصر به این پرسش پاسخ داده شود تا تکلیف ما با آنچه قرار است در طول کتاب بخوانیم، روشن شود. درک حیوانات به معنای توضیح حیوانات نیست، چراکه برای توضیح‌دادن، لزومی ندارد که دو فاعل شناسا با یکدیگر روبه‌رو شوند، بلکه توضیح یک فرایند شخص‌زدایی‌شده است که بر آن من به‌عنوان یک ناظر بیرونی، بی‌آنکه مجبور باشم از دید یک موجود زنده خاص به جهان نگاه کنم، سعی می‌کنم چرایی رفتار آن موجود را شرح بدهم.

اما این پرسش هم مطرح می‌شود که چگونه می‌توانیم به درک حیواناتی که با هم هزبان نیستند، برسیم؟ آنها نمی‌توانند به پرسش‌های ما درباره خودشان پاسخی بدهند. براساس این آیا فاعلیت‌شان، یعنی تجربه در دنیا بودن‌شان، به ناگزیر از دست‌ترس ما خارج است؟ آیا مجبوریم به همان توضیح‌دادن اکتفا کنیم و فهمیدن‌شان از اول محکوم به شکست خواهد بود؟ لارس اسوندسن می‌گوید این‌طور نیست. او می‌گوید این‌طور نیست که زبان اساس ارتباط ما با دنیا و روابط فی‌مابین باشد، برعکس، زبان صافی‌ای است که ما را از همه حیوانات دیگر متمایز می‌کند: درعین‌حال، به یمن پیشینه مشترک -و به همراهش ساختار زیست‌شناختی، رفتارها و روان‌شناسی مشترک اما نه کاملاً منطبق ما و آنها- به ما امکان می‌دهد تا بر احوال ذهنی حیوانات غیر از خودمان هم اشراف پیدا کنیم. تا جایی که بتوانیم دلهره یا شادمانی سگ یا گربه‌مان را درک کنیم. در پیشگفتار کتاب توضیح داده شده که می‌توانم با آن حیوان همدل باشم، به این مضمون

باشم که بتوانم در احساس او شریک و خشم و به جای آنکه در محدوده‌های فاعلیت خود محصور بمانم، با آن حیوان در یک جهان مشترک سهیم بشوم. من این کار را به یاری نشانه‌های مشهود آگاهی انجام می‌دهم؛ به یاری رفتار، که سیمایی از وضعیت ذهنی است. اما من فقط در صورتی می‌توانم این نشانه‌ها را تفسیر کنم که به زندگی عاطفی خودم مراجعت کنم. ضمناً من این کار را حین ارتباط‌گرفتن نه‌فقط با حیوانات دیگر، بلکه با انسان‌های دیگر هم انجام می‌دهم. فلاسفه از قدیم مایل بوده‌اند بر اهمیت اندیشه بیش از اندازه تأکید کنند؛ زبان را بر همه منابع دیگر فهم و درک ارجحیت بدهند؛ و اغلب ادعا کنند که زبان مهم‌ترین یا شاید تنها راه فهم متقابل است. رابطه ما با حیوانات نشان می‌دهد که بین ما، خواه انسان و خواه غیرانسان، پیوندی اساسی‌تر وجود دارد».

نویسنده کتاب، لارس اسوندسن، استاد فلسفه دانشگاه برگن نروژ است. او همچنین در زمینه ادبیات غیرداستانی مشغول بوده و تاکنون جوایز متعددی کسب کرده است. آثار اسوندسن تاکنون به بیش از ۳۵ زبان ترجمه شده است. «درک حیوانات»، «فلسفه شر» و «فلسفه تنهایی»، «فلسفه ملال» و «فلسفه ترس» ازجمله آثار مشهور او هستند.

دلیل دوم به اختلاف آرای فرهنگ‌نویسان در بازشناختن معیارهای لفظیت مربوط است که موجب می‌شود بخشی از کلمات مرکب به فرهنگ لغت‌ها راه نیابد. دلیل سوم: کلماتی که به واژگان گویشوران راه می‌یابد باید در فرهنگ لغت ثبت شود. که قاعده ساختار کلمات مرکب به جای کلمات مرکب در واژگان قرار می‌گیرد. این دست کلمات نیز در فرهنگ لغت ثبت نمی‌شود. فصل پنجم به قصد مطالعه گرایش‌های کلمات مرکب فارسی نوشته شده است و اشاره شده که الگوی غالب ساختمان کلمات مرکب اسم به علاوه اسم، صفت به علاوه اسم و اسم به علاوه صفت است. فصل ششم کتاب آزمون‌های میدانی است. در این آزمون‌ها اعضای چهار گروه آزمایش به روش خوشه‌ای قسمت شده و از آن میان ۸۹ تن با نمونه‌گیری تصادفی برگزیده شده است. در فصل هفتم کتاب نیز خلاصه‌ای از مباحث پژوهش به دست داده شده است. در بخشی از توضیحات ابتدایی کتاب که در پشت جلد آن هم آمده می‌خوانیم: «دست‌یافتن به نکته‌هایی جدید در ذات هر پژوهش استقرایی است و این پژوهش نیز به‌جز دست‌یافتن به آنچه که مقصود اول بوده چنین محصولی داشته است. پژوهنده در طول کار دریافته که مردم روش‌های جدیدی را به روش‌های واژه‌سازی در زبان فارسی افزوده‌اند. کتاب اثباتش از جزئیات نرم و درشت است. نویسنده کوشیده منطق و بنا سنتیکی کتاب در کثرت مطالب کم نشود و فصول و اجزاء را رشته‌ای پنهان به هم پیبوند و همچنین جست‌وجوی جزئیات با آوردن فهرست‌های گوناگون و تحشیه آسان شود. غرض از تصنیف کتاب این بوده که هم به کار خیرگان بیاید و هم دلبستگان زبان و بخش‌هایی از آن برای مردم کوچه و بازار که مولای زبان‌اند نیز دلکش باشد. این کتاب محصول پژوهش سال‌های دراز است. پژوهش بااین گمان آغاز شده که کلمات مرکب پراکنده نیست و نظم و سامانی قیاسی دارد و رشته‌ای به آنها نظام می‌دهد و به مسیر معلومی هدایت می‌کند. گویی چنان است که متمایل‌شدن کلمات به این مسیر یک ضرورت شناختی مقدر است و مردم در این میان پیشاهنگ زبان‌اند. پژوهنده برای سنجیدن درستی یا نادرستی این گمان در ساختمان کلمات مرکب فارسی و رابطه نحوی میان اجزاء آنها باریک شده و موازنه‌ای بی‌پیشایی و در زمانی کرده است. نتیجه موازنه به رسم عالمان علوم دقیقه اندازه گرفته شده و آشکار شده است که در کلمات مرکب فارسی یک تقسیم‌کار پدید آمده و گویی یک انتخاب طبیعی داروینی بر نظام کلمات مرکب زبان فارسی سایه انداخته است. پژوهشی میدانی و بدیع نیز در فصل پایانی میان فارسی‌زبانان و کودکان و فارسی‌آموزان اروپایی و آسیایی انجام شده و برای قوت کار به پژوهش افزوده شده است».

## تأملی فلسفی برای درک حیوانات

**شرق:** آیا راهی برای فهم این نکته که حیوانات چگونه جهان را درک می‌کنند، وجود دارد؟ این شاید محوری‌ترین پرسشی است که لارس اسوندسن در کتاب «درک حیوانات» به سراغش رفته تا از نگاهی فلسفی بررسی کند که گریه یا سگ بودن چه حسی دارد.

درک حیوانات به چه معناست؟ در پیشگفتار کتاب تلاش شده به شکل مختصر به این پرسش پاسخ داده شود تا تکلیف ما با آنچه قرار است در طول کتاب بخوانیم، روشن شود. درک حیوانات به معنای توضیح حیوانات نیست، چراکه برای توضیح‌دادن، لزومی ندارد که دو فاعل شناسا با یکدیگر روبه‌رو شوند، بلکه توضیح یک فرایند شخص‌زدایی‌شده است که بر آن من به‌عنوان یک ناظر بیرونی، بی‌آنکه مجبور باشم از دید یک موجود زنده خاص به جهان نگاه کنم، سعی می‌کنم چرایی رفتار آن موجود را شرح بدهم.

اما این پرسش هم مطرح می‌شود که چگونه می‌توانیم به درک حیواناتی که با هم هزبان نیستند، برسیم؟ آنها نمی‌توانند به پرسش‌های ما درباره خودشان پاسخی بدهند. براساس این آیا فاعلیت‌شان، یعنی تجربه در دنیا بودن‌شان، به ناگزیر از دست‌ترس ما خارج است؟ آیا مجبوریم به همان توضیح‌دادن اکتفا کنیم و فهمیدن‌شان از اول محکوم به شکست خواهد بود؟ لارس اسوندسن می‌گوید این‌طور نیست. او می‌گوید این‌طور نیست که زبان اساس ارتباط ما با دنیا و روابط فی‌مابین باشد، برعکس، زبان صافی‌ای است که ما را از همه حیوانات دیگر متمایز می‌کند: درعین‌حال، به یمن پیشینه مشترک -و به همراهش ساختار زیست‌شناختی، رفتارها و روان‌شناسی مشترک اما نه کاملاً منطبق ما و آنها- به ما امکان می‌دهد تا بر احوال ذهنی حیوانات غیر از خودمان هم اشراف پیدا کنیم. تا جایی که بتوانیم دلهره یا شادمانی سگ یا گربه‌مان را درک کنیم. در پیشگفتار کتاب توضیح داده شده که می‌توانم با آن حیوان همدل باشم، به این مضمون باشم که بتوانم در احساس او شریک و خشم و به جای آنکه در محدوده‌های فاعلیت خود محصور بمانم، با آن حیوان در یک جهان مشترک سهیم بشوم. من این کار را به یاری نشانه‌های مشهود آگاهی انجام می‌دهم؛ به یاری رفتار، که سیمایی از وضعیت ذهنی است. اما من فقط در صورتی می‌توانم این نشانه‌ها را تفسیر کنم که به زندگی عاطفی خودم مراجعت کنم. ضمناً من این کار را حین ارتباط‌گرفتن نه‌فقط با حیوانات دیگر، بلکه با انسان‌های دیگر هم انجام می‌دهم. فلاسفه از قدیم مایل بوده‌اند بر اهمیت اندیشه بیش از اندازه تأکید کنند؛ زبان را بر همه منابع دیگر فهم و درک ارجحیت بدهند؛ و اغلب ادعا کنند که زبان مهم‌ترین یا شاید تنها راه فهم متقابل است. رابطه ما با حیوانات نشان می‌دهد که بین ما، خواه انسان و خواه غیرانسان، پیوندی اساسی‌تر وجود دارد».



#### درک حیوانات فلسفه‌ای برای دوستداران سگ و گربه لارس اسوندسن ترجمه احسان ستایی‌اردکانی نشر بیدگل